

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 20, No. 8, Autumn 2020, 93-113
Doi: 10.30465/crts.2020.29361.1711

A Review of *French Spelling Guide and French Writing*

Somayeh Zokhtareh*

Abstract

The close relationship between spelling and writing has led us to study Mahvash Ghavimi's works as a part of studies done at the Institute for Humanities and Cultural Studies, and we review and criticize two educational and academic works entitled "*The French Spelling Guide*" and "*The French Writing Guidelines*", published by the University Publication Center. The present article has tried to take a brief look at the emergence and evolution of spelling before paying attention to the role of dictation in learning French language spelling and its connection with writing skill. The study of the content and especially the exercises that the authors have included in these two books has allowed this research to reveal the approach of the authors of the books in language teaching by determining the type of exercises, and also there are some strategies suggested in order to correct, improve and update them. The main goal of the authors in these two books is to teach the basics of French spelling in a very prescriptive way in the first book, and in the second one, it refers to sentence construction and its constituent elements to be learned by bachelor students of French language and literature and French language translation.

Keywords: Ghavimi, French Language Teaching, Spelling, Dictation, Writing Skill.

* PhD in Language Science, Université de Lorraine, France, zokhtareh25@gmail.com

Date received: 2020-06-16, Date of acceptance: 2020-10-07

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
ماهنامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی)، سال بیستم، شماره هشتم، آبان ۱۳۹۹، ۹۵-۱۱۳

بررسی و نقد دو کتاب راهنمای املاهای فرانسه و آیین نگارش فرانسه

سمیه زختاره*

چکیده

وجود پیوند تنگاتنگ میان املا و نگارش موجب شده است تا به بررسی و نقد دو اثر آموزشی و دانشگاهی با نام‌های *راهنمای املاهای فرانسه* و *آیین نگارش فرانسه* پردازیم که مرکز نشر دانشگاهی آن‌ها را چاپ کرده است. جستار پیش‌رو کوشیده است تا پس از نگاه کوتاهی به پیدایش و تحول املا به نقش دیکته در یادگیری املاهای فرانسه و پیوند آن با مهارت نوشتاری بپردازد. بررسی محتوا و به‌ویژه تمرین‌هایی که نویسندگان در این دو کتاب گنجانده‌اند به این پژوهش اجازه داده است تا با تعیین نوع تمرین‌ها هم رویکرد نویسندگان کتاب‌ها به آموزش زبان را آشکار سازد و هم راه‌کارهایی را برای اصلاح، بهبود، و به‌روزرسانی آن‌ها پیش‌نهاد دهد. هدف اصلی نویسندگان در دو کتاب این است که نخست به‌شیوه‌ای کاملاً تجویزی، در کتاب اول، نکات اساسی املاهای فرانسه را، و در کتاب دوم، جمله‌نویسی و عناصر سازنده آن را به دانشجویان کارشناسی زبان و ادبیات فرانسه و مترجمی فرانسه آموزش دهند. بررسی‌های نشان می‌دهند که این دو کتاب، با وجود این که قدیمی و ادبیات‌محورند و ظاهر جذابی ندارند، توانسته‌اند قوانین املاهای و نگارشی را با شیوه‌ای گام‌به‌گام، از ساده به مشکل، و براساس نظم پیش‌نهادی نویسندگان به دانشجویان آموزش دهند.

کلیدواژه‌ها: قویمی، آموزش زبان فرانسه، املا، دیکته، مهارت نوشتاری، زبان نوشتاری.

* دکترای علوم زبان، دانشگاه لورن فرانسه، zokhtareh25@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۱۶

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

۱. مقدمه

خوب می‌دانیم که هر نوشتاری قوانین یا قراردادهای مختص به خود را دارد که به استفاده آسان‌تر از آن می‌انجامد. با وجود این، در زبان فرانسه نمی‌توان چندان به این امر کلی بسنده کرد؛ زیرا از یک سو تفاوت زیادی بین نگارش و زبان شفاهی وجود دارد و از سوی دیگر آوا و حرف با هم هم‌خوانی ندارند و حتی برخی از حرف‌ها اصلاً تلفظ نمی‌شوند:

یادگیری زبان مولیر از تطابق اسم‌های مفعولی با فعل‌های معین «بودن» و «داشتن» گرفته تا کاربرد اکسان‌ها و گزینش و نوع کلمه (مذکر و مؤنث) راهی پریچ‌وخم است که باید کلید آن را یافت و یا حداقل بهترین راه را برگزید (Develey 2016: 1).

استفاده از نوشتار در مقایسه با گذشته هم بیش‌تر شده است؛ زیرا خواندن و نوشتن به نوعی نمادی از حیثیت اجتماعی به‌شمار می‌رود. پس این‌گونه باید در نظر بگیریم که درست‌نگاشتن از اهمیت قابل‌توجهی برخوردار است؛ چون ملاکی در روابط اجتماعی است. تردیدی نیست که فرانسه از پیچیده‌ترین زبان‌ها به‌شمار می‌رود و اغلب زبان‌آموزان به‌سختی املاهای این زبان را فرامی‌گیرند. مادامی که زبان‌آموز ریزه‌کاری‌های بی‌شمار این مهارت را نیاموزد نمی‌توان از تسلط او به این زبان، دست‌کم در حوزه مهارت نوشتاری، سخن گفت. روشن است که برای یافتن راه‌حلی مناسب برای این مشکل نخست باید به بررسی خاستگاه آن پرداخت.

نظر به اهمیت املا در یادگیری زبان فرانسه و پیوند تنگاتنگ آن با مهارت نوشتاری، تلاش می‌کنیم تا در جستار پیش‌رو دو کتاب دانشگاهی با عنوان *راهنمای املاهای فرانسه* و *آیین نگارش فرانسه* را بررسی کنیم. به‌منظور بررسی بهتر این دو کتاب آموزشی، نخست لازم است که کوتاه به تاریخچه پیدایش املا اشاره کنیم. این رویکرد تاریخی به ما اجازه می‌دهد تا افزون‌بر نقش املا در سیر تحول تاریخی زبان به اهمیت قواعد املائی و دیکته در آموزش زبان نیز پردازیم. تردیدی نیست که باید به تفاوت بنیادین دو مفهوم املا و دیکته و پیوند میان آن‌ها نیز اشاره کرد. پس از این بحث‌های ابتدایی و ضروری، به نقد و بررسی دو کتاب بالا می‌رسیم. در این سنجش، پس از معرفی کوتاه دو کتاب و شکل ظاهری آن، بر روی محتوا و به‌ویژه تمرین‌های دو کتاب متمرکز می‌شویم. این امر به ما امکان می‌دهد تا ضمن یافتن گونه(های) تمرین به رویکرد نویسندگان کتاب در حوزه آموزش زبان پی‌بریم. درباره پیوند این دو نوشته باید بگوییم که این دو کتاب در گذشته در مقطع کارشناسی رشته زبان و ادبیات فرانسه تدریس می‌شد و شاید هم‌چنان در برخی دانشگاه‌ها از آن‌ها

استفاده کنند. هر دو کتاب در حوزه مهارت نوشتاری جای می‌گیرند و از رویکردی تجویزی پیروی می‌کنند. کتاب اول پیش‌نیاز کتاب دوم به‌شمار می‌رود؛ چون دربردارنده مطالبی لازم و ضروری برای یادگیری نگارش است. اگر به سرفصل دروس مقطع کارشناسی زبان و ادبیات فرانسه نیز نگاهی بیندازیم، درس‌هایی چون دیکته مقدماتی، دیکته و گرامر، نگارش، انشای ساده، نگارش پیشرفته، وقایع‌نگاری و تفسیر ادبی را می‌بینیم. بی‌تردید، پیش‌بینی چنین درس‌هایی چاپ دو کتاب یادشده را توجیه کرده است. سرانجام این‌که مهوش قویمی نیز از نویسندگان هر دو کتاب است.

۲. تاریخچه املا

از زمان اختراع نوشتار به این سو، همواره بحث‌های پرشماری درباره ارتباط نوشتاری و نیاز به درک شدن انجام شده است. درحقیقت، نوشتن وسیله‌ای ارتباطی است که با ثبت علائم موردنظر از سوی انسان‌ها بر ابزارهای مختلف زبان را به‌نمایش می‌گذارد. درست است که ارتباط نوشتاری بر همان ساختارهای گفتاری / شفاهی (همان واژگان، همان دستور زبان، و همان معنا) بنا می‌شود، اما برخی الزامات مختص هر فرهنگ نیز به آن افزوده می‌شود. بنابراین، هر کاربر زبانی مجبور است برای فهماندن منظور و نیت خود نماد یا مجموعه نمادهایی به‌کار برد که در ذهن گیرنده همان معنا را ترسیم یا القا کند. این‌گونه است که رفته‌رفته نظام‌های نوشتاری مختلف در اشکال اصولی و قاعده‌مند و به‌منظور انطباق هرچه بیش‌تر دال‌ها با مدلول‌ها شکل گرفته‌اند. بدین ترتیب، اولین اشکال املائی به‌معنای درست‌نوشتن و شکل‌پذیرکردن نشانه‌های قابل‌فهم برای همگان اختراع شد.

از زمان پیدایش اولین دانش‌نامه و واژه‌نامه لاتین در قرن هشتم تا نهم میلادی که هدفش فهمیدن کتاب مقدس بود تا زمان ششمین انتشار دانش‌نامه آکادمی فرانسه در سال ۱۶۳۵، املائی زبان فرانسه بیش از پیش پیچیده و فاصله‌ی زبان گفتار و نوشتار روزبه‌روز بیش‌تر شد. رونوشت این کتاب‌ها بیش‌تر از نظر آوایی و کاملاً منطبق با زبان شفاهی آن دوران بود. از قرن سیزدهم به این سو، بر اثر پیشرفت و اصلاحات دولتی و هم‌چنین در پی اقتباساتی که از زبان‌های دیگر صورت پذیرفت، نقش آوایی زبان کم‌رنگ‌تر شد و گونه‌ای تنوع‌طلبی در نوشتار فرانسه افزایش یافت. کاتبان نسخه‌های خطی در قرن چهاردهم و پانزدهم سهم به‌سزایی در گسترش این پدیده داشته‌اند؛ چراکه ناتوانی آن‌ها در شناخت درست و کامل از زبان لاتین افراط و تفریط‌هایی را در زبان نوشتاری فرانسه پدید آورد.

این امر موجب شد تا در کوتاه‌مدت، به‌گفته برترو (Betraud 1978: 12)، زبان نوشتاری فرانسه پر از اشتباهات عجیب و غریب شود. بعدها اصلاحاتی صورت پذیرفت و سرانجام فرهنگستان ملی فرانسه، که ریشولیو (Richelieu) آن را به سال ۱۶۳۵ در راستای نفوذ سیاست وحدت‌گرایی در زبان، هنر، و ادبیات بنا نهاد، به خلق و اقتباس املاهای واحد در زبان فرانسه تصمیم گرفت و بدین ترتیب با چاپ ششمین دانش‌نامه زبان املاهای فرانسه تعریف و تدوین شد. در ماده ۲۴/اساس‌نامه و آیین‌نامه فرهنگستان فرانسه می‌خوانیم که وظیفه اصلی این نهاد خلق قوانین قطعی برای زبان فرانسه و ایجاد زبانی ناب و فصیح است که توان پردازش هنرها و علوم را داشته باشد. برای نیل به این هدف، هم یک فرهنگ لغت، دستور زبان، کتاب بلاغت و شعر نگاشته شد و هم مجموعه‌ای از قوانین املائی برای استفاده عموم وضع شد.

روش‌های سنتی آموزش زبان بر این باور بودند که زبان‌آموزان می‌توانند به‌مدد تکرار، حفظ نکات صریح دستوری، ترجمه، و هم‌چنین نوشتن دیکته‌هایی خارج از مطالب تدریس شده قوانین املائی را بیاموزند. در واقع، چون این روش‌ها به دیکته و نوشتن برتری می‌دادند زبان‌آموزان را وادار به رونویسی صفحه‌هایی می‌کردند که برخی از محتوا و منظور آن چیزی سردر نمی‌آوردند. خاستگاه این فعالیت‌های تکراری املائی را باید در نظریه مکتب کلاسیک روان‌شناسی جست که مغز انسان را متشکل از ماهیچه‌هایی می‌دانست که با تمرین و تکرار آب‌دیده می‌شوند.

در اوایل قرن بیستم، با پیدایش روش مستقیم (méthode directe) که بر این اصل باور داشت که باید زبان خارجی را با خودش و برای خودش آموزش داد، شاهد واپس‌گرایی آموزش املا هستیم. درست است که از دیکته‌های کلاسیک فاصله گرفته و به سمت تمرین‌های رایج و آسان‌تر گرایش پیدا کرده است، ولی هم‌چنان در طول یادگیری زبان خارجی دانش‌آموزان مطلب نوشتاری را در مقابل خود داشته‌اند.

با ظهور روش دیداری و شنیداری (méthode audiovisuelle) و براساس اندیشه‌های رفتارگرایان، دیگر روش‌های آموزش زبان به یادگیری املا و نوشتار زبان توجه چندانی نشان نمی‌دادند. با انتشار اولین کتاب روش سمعی و بصری (voix et images de France) در اواخر دهه شصت، املا و هم‌چنین هرگونه عمل نوشتاری به‌طور کلی از فعالیت‌های کلاس خارج شد، تاجایی که استفاده از نوشتار مورد مجازات‌های شدید قرار گرفت.

با روی کار آمدن روش گفتاری (méthode communicative)، دیگر از آموزش املا و نگارش به‌صورت مداوم و اصول‌مند خبری نبود؛ زیرا این روش بیش‌تر بر تقویت و

توان‌مندسازی زبان گفتاری شفاهی زبان‌آموزان تأکید داشت و املا هم‌چنان تا به امروز از قلب فرایند آموزشی خارج شده است.

از زمان شروع اجباری مدارس در قرن نوزدهم، آموزش زبان فرانسه به‌عنوان زبان مادری اساساً مبتنی بر تمرین متراکم و منظم املائی، نوشتن، و خواندن بود. همین روش مستقیماً در کلاس‌های زبان دوم نیز منتقل شد و بعدها در کلاس‌های زبان خارجی نیز ادامه پیدا کرد.

فرت (Freinet 1968) اذعان داشت که زبان نوشتاری فرانسه از هیچ منطقی پیروی نمی‌کند و می‌توان آن را به‌طور تصادفی و دل‌بخواهی به‌کار برد. درحقیقت، نمی‌توان این قوانین و قواعد را، از آن‌رو که استثنائات زیادی را دربر می‌گیرند، قواعد و قانون به‌شمار آورد. به‌باور او، «قواعد انتزاعی و مرده قابل آموزش نیستند، بلکه باید در بطن و متن آموخته شوند» (ibid.: 120).

درواقع، یادگیری یک مکانیسم ناخودآگاه است، یک روند طبیعی درونی‌شده که نتیجه تمرین مستمر زبان است و به تسلط مؤثر و استفاده طبیعی از آن منجر می‌شود.

درمقابل، نینا کاتاش (Catach 1982) در قرن بیستم از آموزش منطقی املا سخن می‌گوید. باوجوداین، باتوجه‌به استثنائات املائی زبان فرانسه، امکان ساده‌کردن آن برای خارجی‌ها تقریباً ناممکن به‌نظر می‌رسد. سخت است که باور کنیم که آموزش صریح و آگاهانه املا به‌تنهایی به یادگیری نظام املائی فرانسه بینجامد؛ زیرا این نظام چنان پیچیده و دشوار است که تقریباً هیچ زبان‌آموزی نمی‌تواند به مفهوم‌سازی و یادگیری آگاهانه آن دست بزند. شاید با دست‌وپنجه نرم‌کردن مستمر با آن و حضور طولانی‌مدت و مداوم در کلاس‌های آموزشی نخست بتوان پیشرفت نسبی در املائی فرانسه کسب کرد و سپس به‌مدد آموزش استقرایی و تجربی قواعد املائی به شناخت این نظام دست یافت.

خوب می‌دانیم که در مراحل ابتدایی یادگیری مهارت‌های خواندن و نوشتن، زبان‌آموزان می‌آموزند که چگونه بنویسند و چه اقداماتی در این باره انجام دهند تا بتوانند آموخته‌های خویش را در هر موقعیتی به‌کار بگیرند. شاید بتوان گفت که مهم‌ترین ماده درسی‌ای که چنین وظیفه‌ای را برعهده دارد دیکته است.

کنکورهای سالانه‌ای که در این حوزه برگزار می‌شود، بر این گفته گواهی می‌دهد. با کاستی و ضعف‌هایی که زبان‌آموزان در نوشتن کلمات دارند، مخصوصاً کلمات ناآشنا که در هیچ متنی ندیدند، انتظارات برای کاربرد صحیح آن‌ها در هر موقعیت متنی برآورده نمی‌شود، اما با آموزش املا و دیکته می‌توان اهداف گوناگونی را دنبال کرد؛ ارزش‌یابی و

تمرین آن‌چه که زبان‌آموز در کتاب‌های درسی خود آموخته، تشخیص توانایی او در نوشتن صحیح آن‌ها، آموختن کلمه‌های رایج و موردنیاز در زبان امروز، آموزش آیین نگارش، یادگیری شکل، معنی، و مفاهیم کلمه‌های جدید و موارد کاربرد آن‌ها، افزایش دامنه لغوی زبان‌آموز، و غیره.

۳. دیکته و املا

امروزه، یادگیری املا امری بدیهی و ضروری است؛ چون ستون اصلی هر زبانی محسوب می‌شود و بهتر است نخست دو مفهوم املا و دیکته را تعریف کنیم تا هم تفاوت میان آن‌ها روشن شود و هم به‌اشتباه از این دو انگاره استفاده نکنیم. املا به مجموعه‌ای از قوانین اطلاق می‌شود که در نوشتار از آن بهره می‌گیریم. این مجموعه به ما اجازه می‌دهد تا درستی یا نادرستی یک واژه را ارزیابی کنیم. تردیدی نیست که تسلط بر این قوانین واژگانی و دستوری استفاده آن را آسان می‌سازد. درحقیقت، از رنسانس و زمان انتشار اولین فرهنگ واژگان، به مجموعه‌ای از قوانین و کاربردهای استاندارد برای نوشتن کلمه‌های یک زبان گفتاری املا گفته می‌شود، حال آن‌که دیکته عملیات و فعالیتی است که در طی آن شخصی با صدای بلند واژگان یا متنی منسجم را می‌خواند و به شنوندگان این فرصت را می‌دهد که آن را به صورت مکتوب بنویسند. به‌دیگرسخن، دیکته همان گذر از زبان شفاهی به زبان نوشتاری به‌شمار می‌رود و می‌تواند گواهی بر پایان تسلط سنت شفاهی و آغاز سنت نوشتاری باشد. بدین ترتیب، مطالعه و بررسی دیکته با بررسی املا و نحوه آموزش آن ارتباطی بسیار تنگاتنگ دارد. از قرن هفدهم میلادی به این سو، دیکته تنها فعالیت مهم و شاید حتی تنها ابزار ارزش‌یابی مهارت‌ها بوده است.

در دهه هشتاد قرن بیستم، دیکته به‌مثابه تمرینی برای تقویت هرچه بیش‌تر املا بوده است و دانش‌آموزان و زبان‌آموزان همه توجه و قدرت حافظه خود را برای انجام این تمرین بسیج می‌کردند. بعدها، متخصصان آموزش زبان به این نتیجه رسیدند که متن‌هایی که در این نوع تمرین‌ها از آن‌ها استفاده می‌شود املائی جمله‌های رایج مفید و مهم را نادیده می‌گیرند. درنتیجه، کم‌کم، با نگاه تردید به دیکته نگاه می‌کردند و فعالیت نگارش را برتر و مهم‌تر می‌دانستند؛ زیرا دانش‌آموزان و زبان‌آموزان درحین این تمرین به کاربست درست واژگان و قوانین دستوری توجه می‌کردند. به این ترتیب، زبان‌آموزان خود به مهم‌ترین بازیگران در روند یادگیری زبان بدل می‌شوند. پی‌آمد مهم چنین رویکردی به آموزش زبان

این بود که رفته‌رفته دیکته سنتی اعتبار خود را از دست بدهد و دیگر فعالیت‌های زبانی جای آن را بگیرند.

این روند هم‌چنان ادامه یافت، به گونه‌ای که از یک سو طرف‌داران دیکته بر این باور بودند که دیکته‌نگفتن موجب می‌شود زبان‌آموزان املا را نیاموزند و از سوی دیگر برخی زبان‌شناس‌ها، مخصوصاً ژان - پیر ژافره (Jean-Pierre Jaffré)، گفته‌اند که گرچه دیکته ابزار خوبی برای ارزیابی است، نمی‌توان به‌مدد آن املا را آموخت. هنگام فعالیت دیکته، زبان‌آموز باید عنصری آوایی را به عنصری نوشتاری تبدیل کند؛ یعنی به اصطلاح صداها بر حروف منطبق شوند. چنین فعالیتی تمرینی بسیار خاص است، اما نمی‌تواند به نویسنده کمک کند تا در هنگام تولید به مهارت املایی دست یابد. این مسائل موجب شد که در سال ۲۰۰۰ متخصصان امر آموزش زبان برای ارزیابی زبان‌آموزان نه از دیکته، بلکه از نگارش متن استفاده کنند.

با وجود این، دوباره دیکته در سال ۲۰۱۵ در برنامه‌های درسی گنجانده شد؛ زیرا به‌باور برخی متخصصان دیکته به بحث و گفت‌وگو درباره مسائل املایی منجر می‌شود. دیکته در برنامه‌های درسی سال ۲۰۱۸، که از آغاز سال تحصیلی ۲۰۱۸-۲۰۱۹ اجرا شد، دوباره جایگاه خود را بازیافت. متخصصان توصیه می‌کنند که دیکته به‌صورت روزانه و در اشکال گوناگون گفته شود و در روند آن بر تفکر منطقی املایی و هم‌چنین بر مهارت‌های خاصی تمرکز شود که آموزگار آن را از پیش مشخص و اعلام می‌کند. هدف از این تمرین روزمره عادت کردن به فعالیت املایی روزانه است تا زبان‌آموز در مرکز یادگیری قرار گیرد و فعال بماند.

درحقیقت، املا و دیکته به قدری در ذهن جمعی به هم آمیخته است که اگر آموزگاری در کلاس دیکته نگوید، به این معنی است که املا کار نکرده است. با وجود این دیدگاه‌ها، باید به دیکته‌هایی اهمیت داد که زبان‌آموز را به بحث و گفت‌وگو املایی وامی‌دارد. اگر دیکته یا همان رونویسی دقیق از متنی که شخص ثالث با صدای بلند آن را می‌خواند، اهداف املایی را برآورده کند، به تفکر و تأمل بینجامد، و با تکیه بر اشتباهات زبان‌آموزان انجام شود موجب تقویت نوشتار آن‌ها می‌شود که جزوی از املای لغوی و نحوی است. البته اگر زبان‌آموزان دانسته‌های کافی و لازم را برای انجام اصلاحات در اختیار داشته باشند، آن‌گاه دیکته می‌تواند به یک ابزار عالی برای درک چگونگی عملکرد زبان بدل شود.

۴. نقد و بررسی

۱,۴ معرفی دو کتاب

۱,۱,۴ راهنمای املاي فرانسه

مرکز نشر دانشگاهی کتاب *راهنمای املاي فرانسه* را نخستین‌بار در سال ۱۳۶۵ و زیر نظر گروه تخصصی زبان و ادبیات فرانسه چاپ کرده است. این نوشته به قلم مهوش قویمی و آنماری موثقی است. بازنشر آن به سال ۱۳۶۹ برمی‌گردد و پس از آن دیگر تجدید چاپ نشده است. این کتاب ۳۲۰ صفحه دارد، مشتمل بر پیش‌گفتاری به زبان فارسی در آغاز و به زبان فرانسه در پایان، فهرست مطالب اجمالی در ابتدا و فهرست مشروح در پایان، چهار بخش اصلی که خود متشکل است از فصل‌ها، تمرین‌ها، و دیکته، بخشی پیرامون اضافات، و سرانجام مآخذشناسی کلی و کتاب‌های موجود در ایران.

بخش نخست از پیکره اصلی متن به سه فصل اصلی با عنوان‌های نقطه گذاری، علائم خاص زبان فرانسه، و حروف بزرگ تقسیم می‌شود و هر فصل در بردارنده مطالب مورد نظر نویسندگان به زبان فارسی و مثال‌ها و تمرین‌هایی متنوع به زبان فرانسه است. بخش دوم کتاب، با عنوان «املاي لغات متداول» شامل فصل‌های زیر است: مشکلات املاي هجای اول کلمه‌ها، املاي هجای آخر کلمه‌ها، حروف صامت آخر کلمه‌ها، املاي متفاوت کلمه‌های هم‌آوا، حرف‌های ناخوانای درون واژگانی، و در آخر موارد کاربرد بعضی از حروف مشکل.

در پایان هر فصل، شاهد تمرین‌هایی در همان حوزه دستوری و یک دیکته پیش‌نهادی با همان موضوع مربوطه و بخش یادآوری هستیم که با علامت ستاره مشخص شده است. علاوه بر این، جدول‌هایی نیز در این بخش وجود دارد که دربرگیرنده قواعد تکمیلی قوانین معرفی شده است. بخش سوم هم‌آواهای دستوری است که این بار مطالب در قالب جدول ارائه شده است: نه جدول، تمرین‌ها، و دیکته. بخش پایانی کتاب با عنوان املا دستوری شامل اسم‌ها، صفات، قیدها، و افعال است. هر فصل اصلی دارای زیرفصل‌هایی است که قواعد مربوط به هر سرفصل را یادآوری می‌کند و پس از آن، مانند فصل‌های پیشین، تمرین‌ها و دیکته‌ای پیش‌نهاد شده است.

۲,۱,۴ آیین نگارش فرانسه

این کتاب به قلم مهوش قویمی و ژیلبرت فاطمی است و همانند کتاب قبلی زیر نظر گروه تخصصی زبان و ادبیات فرانسه و در سال ۱۳۶۷ در مرکز نشر دانشگاهی چاپ شده است.

بررسی و نقد دو کتاب *راهنمای املائی فرانسه* و *آیین نگارش فرانسه* (سمیه زختاره) ۱۰۳

این کتاب با ۱۹۲ صفحه، برعکس *راهنمای املائی فرانسه*، پنج بار بازنشر شده است که آخرین آن به سال ۱۳۹۰ برمی گردد. با پیش گفتار نویسندگان آغاز می شود، شامل هجده بخش اصلی است و با مآخذشناسی و فهرست اجمالی مطالب به پایان می رسد. این فهرست مطالب تنها شامل سرفصل هر بخش است و کمی جست و جوی مطالب کتاب را زمان بر و دشوار می کند.

مطالب گوناگونی درباره آیین نگارش به زبان فرانسه در هر هجده بخش گنجانده شده است که پس از آن تمرین ها قسمت پایانی با عنوان «نگارش» قرار گرفته است. یادآور شویم که تقریباً تمامی مثال های بخش تمرین منبع و نام نویسنده دارند و نشان می دهند که نویسندگان آن ها را از متن های ادبی با ژانرهای گوناگون انتخاب کرده اند.

نویسندگان *آیین نگارش فرانسه* با رویکردی انتقادی پیش گفتار این کتاب را نگاشته اند و هدف آنان از نگارش این کتاب تقویت دانسته های نوشتاری زبان آموزان است که به گفته آن ها محدود به تک جمله ها و گفت و گوهایی با موضوعات مشخص می شود.

نویسندگان از حروف الفبایی برای مشخص کردن ترتیب بخش ها و از شماره گذاری برای ترتیب مطالب هر بخش استفاده کرده اند. بخش نخست به پیوند میان جمله و نقطه گذاری اختصاص دارد. این مبحث در کتاب *راهنمای املائی فرانسه* نیز بحث شده و تنها مثال های آن تغییر یافته است. در ادامه قواعد و توضیحات مطالب، به تمرینات بخش B برمی خوریم که مربوط به نگارش است. بخش دوم به فعل، انتخاب درست زمان، و وجه آن می پردازد و در ادامه تمرین ها و بخش B. در ابتدای بخش سوم به مبحث استفاده از کلمه ها پرداخته می شود و در پایان، تمرین ها و نگارش به نحو مبسوط مورد بررسی قرار می گیرد. بخش چهارم ادامه مبحث ساختار جمله است که صفات و انواع آن را مدنظر قرار می دهد و همانند بخش های قبلی تمرین ها و نگارش از پی آن می آیند. به همین ترتیب، تا بخش شانزدهم، نویسنده به ساختار جمله و مطالب مربوط به آن می پردازد و از همان نظم بخش های پیشین در آن ها پیروی می کند. بحث هایی درباره خلاصه نویسی و داستان نویسی به ترتیب بخش های هفدهم و هجدهم را به خود اختصاص می دهند.

۲,۴ شکل ظاهری دو کتاب

پیش تر گفتیم که هر دو جزو کتاب های درسی مقطع کارشناسی در سه گرایش ادبی، مترجمی، و تربیت معلم به شمار می روند. هر دو کتاب ویژگی های ظاهری و ساختاری

یکسانی در این قسمت‌ها دارند: عنوان، شناسه انتشاراتی، پیش‌گفتار که شامل اهداف و مخاطب مورد نظر است، فهرست مطالب، و مأخذشناسی که مربوط به کتب آموزشی است. از لحاظ شکل نوشتاری، باتوجه به قدمت این کتاب‌ها (۱۳۶۵ و ۱۳۷۸) و باتوجه به پیشرفت فنون صفحه‌آرایی (اندازه و شکل)، شکل مناسب و خوبی ندارند. وجود تصویرهای سیاه‌وسفید نیز از جذابیت این کتاب‌ها می‌کاهد.

عنوان هر مبحثی با حروف پررنگ نوشته شده است که این امر هم موجب می‌شود تا بتوان مطالب را با سرعت بیش‌تری پیدا کرد و هم از یک‌نواختی صفحه می‌کاهد. طرح جلد هر دو کتاب نیز بسیار ساده است و شاید وجود عکس یا تصویری بر جذابیت آن می‌افزود. تنها در مثال‌ها و تمرین‌ها به منابع ارجاع داده شده است و مطالب علمی ارائه‌شده فاقد هرگونه مأخذ و مرجعی‌اند.

۳،۴ بررسی محتوایی

کتاب نخست به نکات اساسی و موردنیاز زبان‌آموزان مقطع کارشناسی در حوزه املائی فرانسه اشاره کرده است و به نظر می‌رسد حجم آن مناسب با میزان واحدهای درسی (دیکته و گرامر ۱، دیکته و گرامر ۲، دیکته و گرامر ۳) است؛ هرچند که آموزش املائی فرانسه بخش کوچکی از این درس‌هاست. پیش‌تر گفتیم که املائی فرانسه از منطق خاصی پیروی نمی‌کند و از پس قوانین و قواعد استثنائات زیادی نیز می‌آیند که این امر در توضیحات ارائه‌شده در هر دو کتاب کاملاً مشهود است.

این کتاب‌ها قواعد املائی را مطرح می‌کنند که خود منبع جامعی محسوب می‌شوند. نویسندگان در پیش‌گفتار این کتاب‌ها هدف خود را آموزش قواعد املائی تکمیل دانسته‌های ناقص و نظم‌بخشیدن به آن‌ها و برطرف کردن مشکلات املائی زبان‌آموزان برمی‌شمرند. توضیحاتی که کتاب‌ها درمورد قواعد املائی فرانسه ارائه می‌دهند صریح و رسا هستند. شاید ارائه مستقیم قواعد املائی هیچ سودی نداشته باشد؛ چون در این صورت یادگیری املا بیش از آن‌که به پیشرفت آموزش زبان فرانسه یاری رساند، به فعالیتی اذیت‌کننده و کسالت‌آور بدل می‌شود.

به نظر می‌رسد که نویسندگان این دست از کتاب‌های آموزشی مطالب را از کتاب‌های فرانسوی برداشته و جمله‌ها و مثال‌های فرانسوی را به فارسی برگردانده‌اند. سهم مؤلفان از این کتاب‌ها شاید صرفاً در بخش ارائه قواعد باشد که آن نیز ترجمه و تدوین است. بقیه

مطالب هم جمع‌آوری و گردآوری از منابع مختلف است که به آن‌ها اشاره‌ای نشده است. درواقع، بهتر است در این کتاب‌ها به ارائه درست و دقیق ارجاعات پردازند؛ چراکه برای چنین کتاب آموزشی منبع روشی که ارائه شده است باید مشخص باشد و بدون ارجاعات معتبر ارزش آموزشی آن زیرسؤال می‌رود.

اغلب در این کتاب‌ها توضیحات و ترجمه‌ها به جملات کوتاه و موجز ختم می‌شوند. افزون‌براین، نکات املائی از اصول نوین زبان فرانسه پیروی نمی‌کنند و حتی پس از تجدیدچاپ هم به‌روزرسانی نشده‌اند. درمجموع، شاید بتوان گفت که نوعی آشفتگی و پراکندگی در شیوه ارائه مطالب به‌چشم می‌آید و هیچ نوآوری‌ای در آن وجود ندارد. درواقع، همان کتاب، بدون هیچ ویرایشی، به همان شکل و با همان اشکالات چاپ اول، بارها تجدیدچاپ شده است. از آنجایی که کتاب‌های دیگری نیز بعد از این نوشته به موضوع املائی فرانسه پرداخته‌اند و آن‌ها نیز خود موضوع نقد و بررسی فراوان بوده‌اند، به نظر می‌رسد که زمان آن فرا رسیده است تا آن‌ها را مطابق اهداف شورای عالی برنامه‌ریزی به‌روزرسانی کرد.

همان‌طور که نویسندگان این کتاب در پیش‌گفتار آن اذعان می‌دارند، زبان‌آموزان سال اول مقطع کارشناسی رشته‌های ادبیات یا مترجمی فرانسه زبان فرانسه را نیاموختند و با روش‌های سمعی‌بصری یا نیمه‌سمعی بصری (méthodes semi-audiovisuelles) با این زبان آشنا می‌شوند. از این رو، می‌توان گفت که تمامی تمرین‌های تجویزی براساس روش ساختاری‌گزینش شده‌اند. درحقیقت، هم روش‌های شنیداری - شفاهی و هم روش‌های صوتی و تصویری‌ای که توصیه می‌کنند که باید زبان خارجی را از طریق دست‌کاری جمله‌ها یا گفت‌وگوها در موقعیت به زبان‌آموز آموخت در مقوله روش‌های ساختاری جای می‌گیرند. روش ساختاری (méthode structurale) در آموزش زبان‌های زنده کارآیی دارد و برخلاف روش سنتی که به دست‌کاری در کلمات جداشده از متن تأکید دارد در این روش به جابه‌جایی و تغییر ساختارها، خصوصاً ساختار نحوی جملات برطبق الگوی اولیه ارائه‌شده، اهمیت داده شده است: تمریناتی از نوع جای‌گزینی، ترکیب، و تبدیل.

۴,۴ بررسی تمرین‌ها و گونه‌های آن

تمرین‌هایی که براساس روش ساختاری (جای‌گزینی، تکرار، تغییر) طراحی می‌شوند «باهدف دستیابی به تسلط ساختاری زبان، با دست‌کاری نظام‌مند این ساختار در

یک‌سری جمله‌های ازپیش ساخته‌شده، و مطابق یک مدل واحد یا «الگویی» که قبلاً مطرح شده است. این دست‌کاری شامل جای‌گزینی یا تغییر برخی عناصر جمله اولیه یا مدل توسط کلمات است و از پاسخ دانش‌آموز به محرک معلم حاصل می‌شود» (Galissou and Coste 1976: 519).

اولین انتقادی که به چنین روشی وارد می‌شود، مربوط به ماهیت مکانیکی، انتخاب نمونه‌هایی غالباً غیرممکن، و تمرین‌هایی محدود به جمله و خارج از موقعیت است که به‌وفور در این کتاب‌ها به‌چشم می‌خورد. نظم حرکت از مثال‌های ساده به نمونه‌های مشکل نیز چندان رعایت نشده است. برای نمونه، در کتاب *راهنمای املائی فرانسه*، که ممکن است برای تدریس املا از آن استفاده کرد، زبان‌آموز در همان مباحث اولیه کتاب با واژه‌های سخت، وجه‌های گوناگون فعل، و حتی جمله‌هایی با ساختارهای پیچیده برمی‌خورد که به‌نظر می‌رسد فهم آن برای او دشوار باشد. برای نمونه به دو مثال زیر در فصل اول صفحه^۹ نه توجه کنیم:

- Je savais que nous étions venus là pour une chose qui s'appelait la mer
(قویمی و موتقی ۱۳۶۵: ۹).

- Je crains que la pluie, qui commence à tomber, ne nous retienne longtemps à la maison (همان).

درست است که فصل اول به مبحث نقطه‌گذاری می‌پردازد اما بهتر بود که از دو وجه التزامی و ماضی بعید که زبان‌آموزان بعداً در درس گرامر و دیکته^۲ آن‌ها را می‌آموزند دوری می‌شد.

این موضوع درخصوص اولین تمرین این فصل نیز صدق می‌کند:

- Dans le calme et le demi-jour d'une petite chambre un bon vieux à pommettes roses ridé jusqu'au bout des doigts dormait au fond d'un fauteuil [...] (همان: ۱۱).

درمجموع، می‌توان گفت که این کتاب‌ها کتاب‌هایی نوشته‌محورند و متن‌هایی که در آن‌ها گنجانده شده است اسناد اصلی اند (documents authentiques). چنین متن‌هایی برای اهداف آموزشی تهیه نشده‌اند و لذا درک آن‌ها برای زبان‌آموزان دشوار است. شاید به‌جرئت بتوان گفت که تقریباً در این دو کتاب با متن‌های ساختگی و تمرینی با هدف آموزشی روبه‌رو نمی‌شویم. دیگر کاستی اسناد اصلی این است که با سطح زبان‌آموزان تناسبی ندارند و موجب سردرگمی و سرخوردگی آنان می‌شود. درحقیقت، این اسناد به زبان‌آموز اجازه

بررسی و نقد دو کتاب راهنمای املاهای فرانسه و آیین نگارش فرانسه (سمیه زختره) ۱۰۷

نمی‌دهد تا با موضوعاتی آشنا شود که در آینده نیاز خواهد داشت. بنابراین، بهتر است از مثال‌ها و تمرین‌های ساختگی نیز استفاده کرد؛ زیرا این تمرین‌ها در سطوح ابتدایی برای زبان‌آموز بار آموزشی دارند. از نظر فرهنگی - اجتماعی نیز کتاب اول عاری از هرگونه مطب فرهنگی و مسائل مربوط به فرهنگ زبان مبدأ است.

پیرامون تمرین‌های این دو کتاب آموزشی می‌توان گفت که اکثر آن‌ها از نوع پُرکنید هستند:

- Complétez les phrases suivantes à l'aide des mots ci-dessus.

a. Il a été ... par ses grands-parents. [...]. (همان: ۱۷).

- Complétez par h ou hh.

1) a ... oyer

a. 4) une a ...esse [...]. (همان: ۳۹).

- Complétez les phrases suivantes de façon à montrer les sentiments ressentis (n'utilisez pas le verbe devenir).

1) Quand on veut caresser leurs petits, les chattes ... [...]. (قویمی و فاطمی ۱۳۷۸: ۱۹).

به کمک این تمرین‌ها و املاهای ارائه شده، می‌توان روش‌های متفاوتی را برای جذب زبان‌آموزان به نگارش پیش‌نهاد داد و از متن‌های تهیه شده کلمه‌هایی را که دارای ارزش املائی اند انتخاب کرد و به کار برد. از دیگر مزایای چنین تمرین‌هایی این است که می‌توان آن‌ها را به سرعت، به‌ویژه در کلاس‌های پرجمعیت، تصحیح کرد، به ارزش‌یابی تعداد بیش‌تری از درس‌ها پرداخت، به کلمات سخت توجه نشان داد، در وقت صرفه‌جویی و بیش‌تر به وضعیت املائی زبان‌آموزان توجه کرد، اما درباره کاستی‌های آن باید گفت که به صورت مستمر نمی‌توان از چنین املاهایی استفاده کرد.

می‌توان از روش تقریری یا شفاهی نیز برای تمرین املا بهره گرفت. در این روش، استاد متنی را که از پیش آماده کرده است یک‌بار به صورت کامل برای زبان‌آموزان می‌خواند تا آن‌ها با متن آشنا شوند. سپس، استاد همان متن را به تدریج می‌خواند و از زبان‌آموزان می‌خواهد تا آن را بنویسند. چنین تمرین‌هایی، افزون بر تقویت مهارت گوش‌دادن، موجب آشنایی زبان‌آموزان با تلفظ درست کلمه‌ها و جمله‌ها می‌شود. علاوه بر این، دقت و حافظه بیش‌تر تقویت و شنیده‌ها بهتر درک می‌شوند. بدین‌گونه، زبان‌آموز گفتار را به نوشتار بدل می‌سازد و در این کار مهارت پیدا می‌یابد. افزون بر این، استاد می‌تواند مشکلات شنیداری و تلفظی آن‌ها را نیز شناسایی کند.

تمرین‌های بخش دیکته باید در خدمت فعالیت نگارشی زبان‌آموزان باشند. نظر به این‌که کتاب *آموزش املاي فرانسه* در بردارنده متن‌های گوناگونه املايي است، دست استادان باز است تا متن‌ها را براساس سطح زبان‌آموزان گزينش کنند و بدین‌گونه در آن‌ها انگیزه و ذوق ایجاد کنند. البته، عدم موفقیت زبان‌آموزان نشان می‌دهد که زبان‌نوشتاری پیشرفت چشم‌گیری نکرده است و لذا پیش‌نهاد می‌شود که استادان از یافته‌ها و مطالب جدید در حوزه آموزش نگارش بهره بگیرند تا علاقه و میل به نگارش را در زبان‌آموزان افزایش دهند.

البته، از یاد نبریم که مسئله نگارش بسی دشوارتر از املاست؛ زیرا هم به دانش‌جامعی درباره یک موضوع نیاز دارد و هم می‌بایست شگردهایی را برای ساخت پلان اولیه، مسئله، و گره کار به کار بست. در واقع، همه‌چیز باید کاملاً منطقی باشد و اطلاعات باید در راستای پاسخ به یک پرسش اصلی ارائه شوند.

کتاب *آیین نگارش فرانسه* به نکات، اصول، قواعد اولیه و کلی لازم برای این امر می‌پردازد و موضوع چرایی تقریباً در تمامی تمرین‌ها وجود دارد که همین امر زبان‌آموز را وامی‌دارد تا دلیل‌های انتخاب خود را توضیح دهد و به پژوهش و جست‌وجوی بیش‌تر دست بزند. قسمت «تمرین‌ها» به زبان‌آموز کمک می‌کند تا قواعدی را که در طی بخش‌ها آموخته است به کار گیرد و ابهامات احتمالی را نیز برطرف سازد. با وجود این، حجم بالای تمرین‌ها و گوناگونی آن‌ها از یک‌سو و توجه نسبتاً زیاد به نکات دستوری از سوی دیگر ممکن است به دل‌زدگی و خستگی زبان‌آموزان منجر شود. البته، دلیل گوناگونی تمرین‌ها و مثال‌ها از نقطه‌نظر نویسندگان این کتاب روشن‌ساختن بهتر مطالب و ارائه توضیحات بیش‌تر است. افزون‌براین، به‌باور نویسندگان کتاب، استادها می‌توانند براساس سطح زبانی و زمان زبان‌آموزان گزينش درست‌تری انجام دهند و اهداف آموزشی موردنظر خود را محقق سازند.

فراموش نکنیم که اصولاً مهارت‌های نوشتاری را براساس دو اصل بنیادین پایه‌گذاری می‌کنند: نخست، آشنایی با قواعد دستوری (املا، عبور از نشانه‌های شفاهی به رمزگان نوشتاری که هدف آن دانش نظام نوشتاری زبان فرانسه و ترتیب صحیح کلمات در جمله است)، و دوم، شناخت سازمان‌دهی متنی (organisation textuelle) (انسجام، یک‌پارچگی، پیشرفت موضوعی، و نظم و ترتیب منطقی اندیشه‌ها). هر زبان‌آموزی که آموزش یک زبان خارجی را شروع می‌کند به پیش‌نیازهایی برای درک درست متن احتیاج دارد تا به فهم کلی متن دست یابد. از این‌رو، تمرین‌های شناسایی برای این دست از زبان‌آموزان بسیار

بررسی و نقد دو کتاب راهنمای املای فرانسه و آیین نگارش فرانسه (سمیه زختره) ۱۰۹

مناسب‌اند؛ زیرا به آن‌ها کمک می‌کنند تا با شناسایی عناصر متنی مانند عنوان، نشانه‌های مکانی - زمانی، شخصیت‌ها، آغاز و پایان بخش‌ها، و در نهایت ساختار کلی به فهم متن دست یابند:

- Lisez le texte suivant et répondez aux questions proposées:

1) Relevez les termes qui permettent à l'auteur de ne pas répéter le mot enfant.

2) relevez un adjectif évitant la répétition de «grand» [...]. (قویمی و فاطمی ۱۳۷۸: ۳۰)

مرحله بعدی خوانش انتخابی یا تفصیلی و تمرکز بر متن است. چنین خوانشی به زبان‌آموزان این امکان را می‌دهد تا به کاوش کامل در متن دست بزنند، به بازبینی آن پردازند، و درک عمیقی از آن داشته باشند. البته، پژوهش‌گران به این نتیجه رسیده‌اند که در این مرحله میزان سختی تمرین‌های نوشتاری باید بالاتر از سطح گفتاری زبان‌آموزان باشد:

- Dans le texte suivant, Théophile Gauthier décrit le silence dans la forêt. Tout d'abord, il signale le silence profond puis mille petits bruits qui montrent la profondeur de ce silence. Il utilise des phrases courtes et simples aux verbes expressifs.

Lisez attentivement ce texte, puis en un paragraphe décrivez le silence dans l'un des cas suivants:

- Un lieu désertique,
- La campagne sous la neige.
- Une nuit d'été (همان: ۵۱).

از نظر عملی، بهتر است زبان‌آموز تولید خود را در یک ساختار نحوی و واضح از پیش موجود درج کند تا این‌که هر بار متن جدیدی را خلق کند. تمرین‌های بازنویسی، تغییرات متنی (ساده‌سازی/ پیچیده‌کردن، یا خلاصه/ بسط‌وگسترش دادن)، یا بازخوانی مجدد به زبان‌آموز اجازه می‌دهد تا بر روی یک عملکرد، شگرد، یا داده‌های دستوری از پیش تعیین شده بیش‌تر تمرکز کند (Vigner 1984: 84).

تمرین‌های جای‌گزینی نیز یکی دیگر از انواع شیوه‌های روش‌مند آموزش ابتدایی نگارش است که در این کتاب پرشمارند. بی‌گمان، این تمرین‌ها به تقویت نوشتار می‌انجامد. درحقیقت، با تعویض یا تغییر یک عنصر در یک بخش معین ساختار جمله ثابت

می‌ماند، اما محتوای معنایی آن تغییر می‌کند؛ معمولاً تعویض یک بخش به تغییر بخش‌های دیگر نیز منجر می‌شود.

تمرین‌های تقلیدی نیز باعث آشنایی با سبک و تکنیک‌های نوشتاری و به‌دنبال آن ارتقای سطح نوشتاری زبان‌آموز می‌شود. تقویت ایده‌پردازی در هر بار نوشتن می‌تواند موجب بازآفرینی و تولید محتوای غنی شود.

در این کتاب، طیف گوناگونی از آثار ادبی گنجانده شده که همین امر نشان‌دهنده سبک‌ها و تکنیک‌هایی است که با دقت و تیزبینی در کاربرد درست و املا صحیح واژگان می‌تواند به زبان‌آموز یاری رساند. درضمن، این امر توان نوشتاری زبان‌آموز را تقویت می‌کند. نویسندگان حتی کوشیده‌اند تا حداقل چند نمونه از عنصر فرهنگی ایرانی را در کتاب بگنجانند و بخش‌هایی از فرهنگ زبان مقصد را نیز در راستای انقلاب فرهنگی حذف کرده‌اند. برای نمونه، می‌توان به جشن نوروز، برپایی نماز و مناسک مذهبی اسلامی، و حتی شخصیت‌های مذهبی همانند علامه طباطبایی و ... اشاره کرد. این موضوع می‌تواند زبان‌آموز را با جنبه‌های مختلف فرهنگی در بیان نوشتاری به زبان خارجی آشنا کند:

- Regardez la gravure suivante : donnez deux phrases pour décrire la mosquée et es minarets [...] (قویمی و فاطمی ۱۳۷۸: ۳۵)
- Regardez la gravure suivante:
 - 1) En une phrase, dites ce que fait cet homme [...]. (همان: ۳۶)
- Driss Chraïbi, écrivain algérien décrit la façon dont en Algérie, on fait le thé; après avoir lu le texte suivant décrivez, en un seul paragraphe, comment on fait le thé en Iran, et comment on le sert [...] (همان: ۴۴)

تمرین‌های از این دست می‌تواند خلاقیت زبان‌آموز را برانگیزد و به تحقیقات بیش‌تر در این حوزه‌ها بینجامد.

اولین اقدامی که استادان می‌توانند انجام دهند انگیزه‌دادن برای درست‌نوشتن است. گاهی خستگی زبان‌آموزان، طولانی‌بودن متن، عدم احساس امنیت فراگیر، و غیره به شکست منجر می‌شود. استاد باید، با توجه به اشکالات املایی زبان‌آموزان، نیازهای آن‌ها را تشخیص دهد و یک یا چند تمرین متناسب در حد و توان زبان‌آموز به آن‌ها پیش‌نهاد دهد و پس از انجام تکالیف آن‌ها را با دقت بررسی کند که خود عاملی مهم در پیشرفت یادگیری زبان و املا زبان‌آموزان به‌شمار رود.

۵. نتیجه‌گیری

امروزه نیز هم‌چنان به روش قدیمی دیکته گفته می‌شود، بدین صورت که استاد متنی را می‌خواند و زبان‌آموزان آن را می‌نویسند. سپس، استاد برگه‌ها را تصحیح می‌کند و زبان‌آموزان باید کلمه‌های درست را از روی درس بازنویسی کنند. چنین فعالیتی کم‌تر به آموزش املا و توضیح نکات لازم، با توجه به نقاط ضعف زبان‌آموز، توجه دارد. به همین دلیل، زبان‌آموز در دیکته‌های بعدی مرتکب همان اشتباه‌های قبلی یا مشابه می‌شود. دیکته جمله‌ها و عبارت‌های بدون تغییر به ارزش‌یابی دقیق و جامعی نمی‌انجامد؛ زیرا زبان‌آموزان با تکیه بر حافظه بصری و تمرین و تکرار در نوشتن از روی متن، که اغلب به صورت رونویسی‌های تکراری و خسته‌کننده‌اند، مشکل املائی کلمات را به خاطر سپرده‌اند. تنها هنگامی توانایی آن‌ها در نوشتن صحیح کلمه‌هایی که آموخته‌اند آشکار می‌شود که بتوانند متن و جمله‌های جدید را صحیح بنویسند.

متن‌های دیکته تا حد امکان باید از نوشته‌های فصیح و جالبی انتخاب شوند که موجب وسعت‌بخشیدن به اطلاعات واژگانی و عمومی زبان‌آموزان شود و علاقه و رغبت آن‌ها را به نوشتن برانگیزاند. پیروی از یک روش در آموزش زبان به‌تنهایی نمی‌تواند کامل و کافی باشد. بهتر است روش‌ها را تلفیق کرد و از حجم مطالب تجویزی کاست؛ زیرا هر روش مزایا و معایب خود را دارد. مشخص کردن اشتباهات به‌تنهایی کافی نیست و باید به بررسی دقیق نقاط ضعف پرداخت و با دادن تمرین‌های مخصوص و به‌جا مهارت‌های لازم را تقویت کرد.

تردیدی نیست که نبود عناصر املائی در روش‌های نوین آموزش زبان، آن هم با توجه به پیچیدگی نظام املائی، می‌تواند یکی از دلایل شکست زبان‌آموزان در املا و نگارش باشد. این مشکل در کشور ما نیز وجود دارد. کافی است به سرفصل پیش‌نهادی وزارت علوم و تحقیقات (۱۳۹۴) برای رشته زبان فرانسه (گرایش ادبی، مترجمی) نگاهی بیندازیم تا جای خالی درسی مستقل با نام دیکته را ببینیم. فراموش نمی‌کنیم که درسی با نام گرامر و دیکته در این سرفصل وجود دارد، اما تقریباً اکثر استادان در این درس بر آموزش دستور زبان تمرکز می‌کنند. در واقع، هدف این درس آشناکردن دانشجویان با اصول دستور زبان فرانسه و قواعد املائی، با توجه به مطالب دستوری دروس، است. برای نیل به این هدف، از تمرین‌های موجود در کتاب درسی استفاده می‌شود که از نظر کیفی و کمی فایده‌ای برای تقویت املائی زبان‌آموزان ندارد و بیش‌تر به حوزه املائی اعداد و اسامی خاص و ساعت مربوط می‌شوند.

درواقع، می‌توان گفت متن‌های جالب و موضوع‌های به‌روز و موردعلاقه زبان‌آموزان و تمرین‌های متنوع و جذاب می‌توانند تنها ضامن آموزش مؤثر املای زبان فرانسه باشند. شاید بتوان گفت که چنین مواردی در این دو کتاب وجود ندارد یا در صورت وجود انگشت‌شمارند.

هرچند که همه از اهمیت آموزش املا یا نوشتار سخن می‌گویند، نباید جنبه شنیداری املا را نیز نادیده گرفت. دانشجوی زبان فرانسه تنها زمانی می‌تواند به‌صورتی روش‌مند در نگارش فرانسه پیشرفت کند که به املای آن تسلط داشته باشد. انسجام و توالی متن‌ها بدون تسلط بر ابزار اولیه و اصلی که همان املاست محقق نخواهد شد. نیل به این مقصود نیز با آموزش املای درست و روش‌مند میسر خواهد شد. جستار کنونی به ما نشان داده است که نویسندگان دو کتاب *راه‌نمای املای فرانسه* و *آیین نگارش فرانسه* موفق شده‌اند حجم مناسب و کافی‌ای از مطالب را در این دو نوشته جای دهند. به‌نظر می‌رسد که هر زبان‌آموز یا دانشجویی باید با این مطالب آشنایی و بر آن‌ها تسلط داشته باشد. با وجود این، اگر نویسندگان این دو کتاب می‌توانستند مطالب آن را به‌روز و منظم‌تر کنند، آن‌گاه شاید استادان و زبان‌آموزان انگیزه بیشتری برای استفاده از آن‌ها داشتند.

به‌نظر می‌رسد که باید بیش‌تر تمرین‌هایی را در این دست از کتاب‌ها گنجانند که توجه زبان‌آموزان را به نوشتار جلب کند. برای نمونه، می‌توان از تمرین‌هایی چون بازی با کلمات، تمرین‌های تأکیدی، نقطه‌گذاری، معما و چیستان بر املای کلمات، تصویرسازی، پازل، و غیره بهره گرفت. چنین تمرین‌هایی موجب می‌شود زبان‌آموزان بیش‌تر به املا و نگارش توجه و تمایل نشان دهند؛ هرچند این موضوع فاصله زیادی با تمایلات امروزی یعنی توجه بیش‌تر به مکالمه و مهارت‌های گفتاری و شنیداری دارد. تردیدی نیست که تداوم چنین تمرین‌های در سطح‌های مختلف زبانی، البته با روش ضمنی و نهفته، به تقویت مهارت‌های نگارشی می‌انجامد. بی‌گمان، اگر آموزش املا به روش درستی انجام شود، ابزاری مؤثر در بهبود دستور زبان، مهارت نوشتاری، و واژگانی خواهد بود.

کتاب‌نامه

- قویمی، مهوش و آنماری موثقی (۱۳۶۵)، *راه‌نمای املای فرانسه*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
قویمی، مهوش و ژیلبرت فاطمی (۱۳۷۸)، *آیین نگارش زبان فرانسه*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

بررسی و نقد دو کتاب راهنمای املائی فرانسه و آیین نگارش فرانسه (سمیه زختاره) ۱۱۳

- Beilin-Bourgeois, Claire et Adrien David (2015), *Guide de l'Orthographe*, Paris: Nathan.
- Bescherelle, L-N. (1980), *Art de l'Orthographe*, Paris: Hatier.
- Betreaud, Jean-Claude (1978), *Fautes de Grammaire et d'Orthographe*, Paris: De Vecchi.
- Catach, Nina (1978), *L'Orthographe, Que Sais-je?*, Paris: Presses Universitaires de France.
- Chriss, Jean-Louis, Jacques Filliolet, et Domonique Maingueneau (2013), *Introduction à la Linguistique Française*, Tome 1, Paris: Hachette.
- Coste, Daniel et Robert Galisson (1976), *Dictionnaire de Didactique des Langues*, Paris: Hachette.
- Develey, Alice (2016), "Les Fautes d'Orthographe ne Sont pas une Fatalité", *Le Figaro*.
- Genouvrier, Emile (1970), "C. Freinet: La Méthode Naturelle I: L'Apprentissage de la Langue", in: *Langue Française*, n° 6, Apprentissage du Français Langue Maternelle, Paris: Larousse.
- Vigner, Gérard (1984), *L'Exercice dans la Classe de Français*, Paris: Hachette.
- Walter, Henriette (1988), *Le Français dans tous les Sens*, Paris: Robert Laffont.

